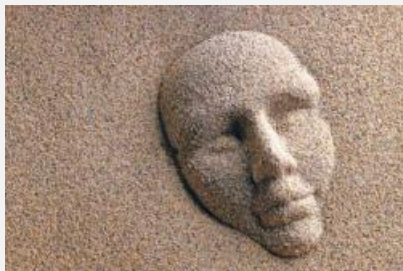


جریان تکفیر، محکوم به فناست

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد ابوالقاسم، فعال قرآنی است. او حافظ قرآن بوده و هشت سال است مدرس سطوح عالی‌ه حوزه علمیه قم است.



با حجت‌الاسلام دکتر محمد ابوالقاسم، پژوهشگر قرآنی

جریان تکفیر، محکوم به فناست

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد ابوالقاسم، فعال قرآنی است. او حافظ قرآن بوده و هشت سال است مدرس سطوح عالی‌ه حوزه علمیه قم است.

وی 12 سال از محضر حضرات آیات تبریزی، فاضل، وحید خراسانی و جوادی آملی در زمینه های فقه و اصول و تفسیر بهره مند شده و در کنار شرکت در دروس خارج به مدت ده سال در مؤسسه تخصصی بقیه الله (عج) به آموزش و پژوهش در موضوعات مختلف فقهی و اصولی پرداخته است. ابوالقاسم تاکنون چند مقاله در زمینه های مختلف فقهی و اصولی به رشته تحریر در آورده است. مدیرعامل موسسه قرآن و عترت نورالثقلین قم در گفت و گو با #171جام جم، تکفیر را جریانی افراطی می داند که بزودی به علت اتکا به حمایت غرب از بین خواهد رفت.

آیا تکفیر در اسلام ریشه دارد؟

در تاریخ معاصر کسانی که صرفا خودشان را مسلمان و بقیه گروه های دیگر را کافر می پندارند، شکل گرفته اند که این گروه کارکرد خیلی خوبی برای استعمار و استکبار دارد. از این نظر که می تواند با رویکرد افراطی خودش تمام فرق و گروه های اسلامی را به جان هم بیندازد و با تکفیر این دسته و آن دسته، شعله جنگ را میان کشورهای اسلامی بیندازد. این را هم باید افزود که تکفیر شیعیان توسط سلفی ها به شیعیان اختصاص ندارد و آنها کسان دیگری را هم که جزو اهل سنت هستند، تکفیر کرده اند.

به عنوان مثال عده زیادی از اهل تسنن در سودان که جزو فرق صوفیه هستند و از نظر عقیدتی به عقاید اهل تسنن اعتقاد کامل دارند، تکفیر شده اند و همچنین کسانی که همین مشرب را دارند و در مصر هستند توسط سلفیان کافر قلمداد می شوند، اما در واقع باید گفته شود در تاریخ اسلام و بخصوص در منابع اصلی اسلام که قرآن و سنت قطعی پیامبر اکرم (ص) است، این رویکردی باطل است و به هیچ وجه قابل قبول نیست.

در آیه 94 سوره نساء می خوانیم: #171ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که در راه خدا گام برمی دارید، (و به سفری برای جهاد می روید) تحقیق کنید و به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند، نگویید مسلمان نیستی...» یعنی وقتی در زمین حرکت می کنید و به مسافرت می روید بی جهت اشخاص را تکفیر نکنید و بی دلیل کسانی را از دایره اسلامی بیرون نینگارید. در شان نزول این آیه شریفه نقل شده است عده ای از مسلمانان چوپانی را دیدند و به صرف این که او خارج از حوزه اسلامی زندگی می کند و با طمع نسبت به دارایی و گوسفندان او را کشتند و اموالش را به غارت بردند این آیه نازل شد و این کار را بشدت مذمت کرد که اگر کسی به شما سلام داد، کفایت می کند حکم به ایمان او بشود و خون و مالش محترم باشد.

متأسفانه می بینیم کسانی که امروز سردمدار فرقه ضاله وهابیت هستند چنین رویکردی دارند و بی جهت اشخاص را متهم به کفر می کنند و البته منابع مادی را نیز از این کار خواسته یا ناخواسته و دانسته یا ندانسته به دست می آورند. شاید خودشان هم ندانند حمایت های غرب از آنها به دلیل همین رویکرد افراطی شان است. با این کار غرب نامنی را در کشورهای اسلامی پدید آورده و طبیعتاً احساس نیاز به غرب برای ایجاد امنیت به وجود آمده است. همچنین با ایجاد جریان خشونت، غرب از جانب جنبش مسلمانان در اعتراض به مساله فلسطین و ظلم و ستمی که در دیگر نقاط عالم می شود، احساس آرامش می کند.

علمای مسلمان و اندیشمندان در این جهت چه وظیفه ای دارند و چگونه می توانند بحث تکفیر را محدود و خنثی کنند؟

رسالت علمای اسلامی بیان حقایق است و آنها باید با توجه به آیات قرآن و سنت قطعی پیامبر اسلام (ص) رویکرد خودشان را جذب حداکثری و ورود عده زیادی به دایره اسلام قرار دهند و نه رویکرد تکفیر و جدا کردن عده زیادی از دایره اسلام. آنها وظیفه دارند این رسالت را پیش بگیرند و بر آیاتی از قرآن تکیه کنند که می فرماید همه شما مومنین، تسلیم خدا باشید و بر ریسمان الهی چنگ بزنید و تفرقه نداشته باشید. علما باید مردم را متوجه کنند و آنها را از خطرات این فرقه ضاله آگاه سازند.

بعضی پیروان مذاهب تصور می کنند آنچه توسط وهابیت گفته می شود، نگاه اهل تسنن است. شفاف سازی این مساله که وهابیت یک فرقه مجعول و ساخته دست غرب است و ربطی به اسلام ندارد خیلی می تواند در شفاف شدن فضا موثر باشد. اشخاص با توجه به این نکته، وحدت فرق اسلامی را می توانند قوی تر کنند و همه در برابر این فرقه مجعول و گمراه بایستند که مایه ایجاد تنش میان مسلمانان شده است.

تکفیر به هیچ وجه به عنوان شاخصه اسلام در نیامده است. به رغم وجود گروه هایی مانند خوارج در تاریخ اسلام، آینده تکفیریون را چگونه می دانید؟ آیا ایشان مانند افراطیون مذهبی در گذشته محدود خواهند شد؟

همین الان هم این گروه وابسته به پول و ثروت مسلمانانی هستند که با دست کمک غرب که از آستین حکام خود فروخته درآمده است، ادامه حیات می دهند و اگر پول نفت که متعلق به مسلمانان است و کمک های غرب نبود، این فرقه ذره ای میان مسلمانان جهان اسلام، جا باز نمی کرد. فرقه وهابیت در واقع به دلیل رویکرد افراطی که دارد هیچ جذابیتی ندارد، در حالی که اسلام سرشار از جذابیت است. اگر به سایر عقاید این فرقه نیز توجه شود نفرت آور بودن تصورات آنها بیشتر آشکار می شود. از جمله این تفکرات این است که ایشان هر گونه جشن برای تولد را حتی برای پیامبر اسلام، حرام می دانند.

در آغاز اختراع تلگراف و تلفن وهابیان فتوا داده بودند این وسایل حرام هستند، پس این جریان یک رویکرد بسیار خشک و افراطی است که اصلا قابلیت بقا ندارد و تنها عامل بقای این فرقه پول و ثروت مسلمانان است که غصب کرده اند. طبیعتا تا وقتی این پول و ثروت وجود دارد، این جریان باقی خواهد ماند، اما به محض این که اتفاقی بیفتد و این ثروت از آنها گرفته شود، زایل و عالم اسلام از لوث وجود آنها پاک خواهد شد. طبیعی است حمایت های غرب همیشگی نیست و غرب از مهره های خودش تا مدت خاصی حمایت کرده و با سر آمدن تاریخ مصرف مهره ها مثل بن لادن آنها را در اعماق اقیانوس پرتاب کرده یا به شکل دیگری آنها را نابود می کند. در هر صورت قطعا این فرقه محکوم به فناست و در آینده نزدیک یا دور، طومار این فرقه بسته خواهد شد.

نسبت جریان تکفیر با آزادی بیان چیست؟

اسلام دین اندیشه و آزادی فکر است و انسان در اسلام اجازه تفکر و بحث دارد. جالب است در شهرهایی که تحت سیطره این گروه است، شما اجازه هیچ گونه بحث و مناظره ای با پیروان این مذهب ندارید و این کار جرم است. اگر شخصی بخواهد در گوشه ای با یک وهابی گفت و گویی و کتابی رد و بدل کند، مجرم تلقی شده و دستگیر خواهد شد.

در کتابخانه های آنها شما اثری از کتب معروف و منابع اصلی شیعه نمی توانید پیدا کنید، در حالی که در کتابخانه های ما بیشتر کتاب های اهل سنت وجود دارد. این نشان می دهد وهابی ها با رویکرد افراطی شان چون نمی توانند فکر مخالف را تحمل کنند با آن مقابله می کنند. در حالی که شاخصه اصلی قرآن این است که انسان ها، فکر کرده و راه خود را انتخاب کنند.